

پر و آینه

الحمد لله رب العالمين

درس اول

از پدری فانی، که گذشت زمان را می‌بیند، زندگی را پشت سر نهاده است و در سپری شدن عمر کاری از دستش ساخته نیست.

پسrom، تو پاره تن من، بلکه همه جان منی؛ آن گونه که اگر آسیبی به تو رسیده است و اگر مرگ سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهمنم باشد! حال من زنده باشم یا نباشم. پسrom، پیش از هر چیز تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را بایاد او زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی. چه چیز مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست، اگر سررشته آن را در دست گیری؟

پسrom، دلت را با اندزه‌های نیکو زنده کن. هوای نفس را با اعتنا نکردن به امر حرام بمیران. جانت را با «یقین» نیرومند کن و آن را با نور حکمت روشنایی بخش و با یاد مرگ آرام کن.

پسrom، به نیکی‌ها امر کن و خودت هم نیکوکار باش. با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی. در راه خدا آن گونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.

پسrom، درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام و در میان آن‌ها نزیسته‌ام اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنچه که گویی خودم پکی از آن‌ها شدم... سپس از هر چیزی، مهم و اوژشمند آن را و از هر حادثه‌ای زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم. پس آن گونه که پدری مهریان نیکی‌ها را برای فرزندانش می‌پستند من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی‌ها تربیت کنم. زیرا تو اکنون در آغاز زندگی فرار داری و تازه چشمت به جهان باز شده و نیتی سالم و روحی باصفا داری.

پسrom؛ من در آغاز تربیت تو، تصمیم گرفتم تا قرآن، کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات آن از آن می‌ترسیم که مبادرای و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد و کار را برای آنان شسنه‌های ساخته من تو نیز هجوم آورد. به همین دلیل ورود تو را نسبت به این امور خوش نمی‌داشت، اما آگاه شدن به آن‌ها و در را در رستگاری پیروز گرداند و به راه راست هدایت فرماید.

پسrom، اگر درباره امور دنیا و تحولات روزگار مشکلی برای تو پیش آمد آن را ناشی از ناآگاهی خودت بدان؛ چه، می‌دانی که تو از مادر با ناآگاهی متولد شدی و سپس علوم را فرآگرفتی. پس، چه بسیار است چیزهایی که تو نمی‌دانی ولی خدا می‌داند و از این روست که نخست اندیشه‌های در آن‌ها سرگردان می‌شود و نسبت به آن‌ها بصیرت نداری مگر اینکه آن‌ها را بشناسی. پس به خدایی پناه ببر که تو را آفریده، روزی داده و اعتدال در اندام تو پدید آورده است.

پسrom، نفس خود را میان خود و دیگران میزان قرار ده، اگر چنین کنی آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست خواهی داشت و آنچه را که خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نخواهی پسندید.

پسrom، از کسانی مباش که اندز سودشان ندهد مگر با آزرن فراوان -زیرا عاقل با اندز و آداب پند گیرد و حیوان با زدن خویشاوندات را گرامی دار، زیرا آن‌ها باشند، و ریشه تو هستند که به آن‌ها باز می‌گردی، و دست نیرومند تو می‌باشند که با آن حمله می‌کنی.

پسrom، دین و دنیای تو را به خدا می‌سپارم و از او می‌خواهم بهترین سرنوشت را در دنیا و آخرت نصیب تو گرداند. با درود.

بخشی از نامه حضرت علی(ع) به امام حسن(ع)

متن: نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی